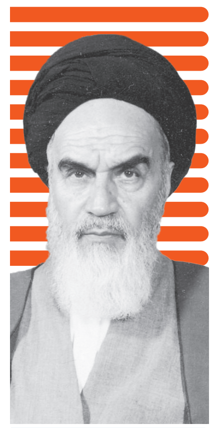

چهره درخشان مدیریت و انقلاب اسلامی

زحمات و تحمل سختی‌های شما پیش از انقلاب تا به ثمر رسیدن آن و تلاشتان بعد از انقلاب برای تثبیت نظام نوپای جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست. جناب‌عالی از چهره‌های درخشان مدیریت و انقلاب اسلامی در ایران و به‌خصوص در استان خراسان می‌باشید.

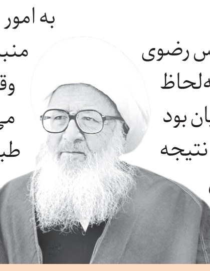

■ آیت‌الله وحید خراسانی: تدین در خاندان طبسی ریشه‌دار بوده است

آیت‌الله واعظ طبسی فردی متدین، متخلق و فهمیده بود که برای آستان قدس رضوی چنین شخصی نیامده و بعدها هم نخواهد آمد. تدین موضوعی است که به‌لحاظ خانوادگی در این خاندان ریشه دارد. مرحوم جد مادری ایشان از بزرگان و اعیان بود که دختر خود را از سر ارادت به عقد مرحوم شیخ‌غلامرضا طبسی درآورد که نتیجه آن ازدواج، آیت‌الله واعظ طبسی بود. مرحوم آقاسیداحمد خوانساری برای من نقل می‌کردند که خانواده‌ای نزد ایشان آمدند و عنوان کردند نسبت به امور دینی بی‌تفاوت بودند اما با منبر شیخ‌غلامرضا طبسی به‌طور کامل متحول شدند. منبر ایشان یک منبر غیرعادی بود که مطالب آن نیز از پختگی خاصی برخوردار بود. وقتی ایشان در تهران به منبر می‌رفتند، شاهزاده‌ها با درشکه، خودشان را به منبرشان می‌رساندند. به‌نظرم مثل او در منبر نیامده است... رفتن چنین افرادی (آیت‌الله واعظ طبسی) دو مصیبت به‌حساب می‌آید؛ یکی مصیبت فوت خودشان و مصیبت دیگر بی‌بدیلی آن‌هاست. خیلی از مردم ایشان را نمی‌شناسند، اما من او را می‌شناسم، زیرا با این خاندان محشور بوده‌ام. ما هرگز ایشان را فراموش نمی‌کنیم.

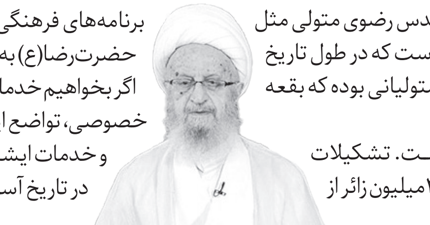

■ آیت‌الله ناصر مکارم‌شیرازی: امیدوارم نام ایشان در تاریخ شیعه ماندگار شود

در طول تاریخ، از زمان شهادت حضرت‌رضا(ع) تا زمان ما، آستان قدس رضوی متولی مثل ایشان به‌خود ندیده است. خدمات ایشان چند برابر مجموع آن است که در طول تاریخ انجام شده است. ایشان باشخصیت‌تر، مدیرتر و مدبرتر از تمام متولیانی بوده که بقعه مبارکه ثامن‌الحجج(ع) داشته است. علاوه بر این‌ها کارهای فرهنگی که شروع کردند نیز مهم است. تشکیلات حضرت‌رضا(ع) تشکیلات زیارتی است، اما زمانی که در طول سال ۲۰میلیون زائر از نقاط مختلف برای زیارت می‌آیند نباید دست‌خالی برگردند. باید کار فرهنگی انجام شود و ایشان برنامه‌های فرهنگی زیادی شروع کرد که بسیار قابل توجه هستند. مشهد و آستان قدس حضرت‌رضا(ع) به کانون زیارتی و فرهنگی و علمی تبدیل شده است. اگر بخواهیم خدمات ایشان را جمع‌آوری کنیم، به‌عقیده بنده یک کتاب می‌شود. در جلسات خصوصی، تواضع ایشان برای من بسیار جالب بود. مردی پاک و مقید به آداب بودند. فضائل و خدمات ایشان بسیار زیاد است. امیدوارم این خدمات در تاریخ ثبت شود و نام ایشان در تاریخ آستان قدس رضوی و تاریخ شیعه ماندگار بماند.

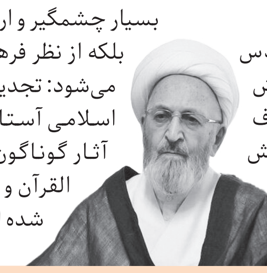

■ آیت‌الله جعفر سبحانی: خدمات ایشان بیش از آن است که در این گفتار پیش آید

جناب آیت‌الله حاج‌شیخ‌عباس واعظ طبسی که حکم تولیت آستان قدس رضوی را از دست حضرت امام -اعلی‌الله‌مقامه- گرفت، شب و روز کوشش کرد کاستی‌ها و خلافکاری‌های دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را برطرف کند. خدمات آن عزیز ازدست‌رفته بیش از آن است که در این گفتار پیش آید، اما کسانی که این آستان مقدس را پیش از پیروزی انقلاب اسلامی دیده‌اند و پس از آن ملاحظه کنند، خواهند دید خدمات تولیت فقید بسیار چشمگیر و ارزنده است. ایشان تنها به توسعه حرم و صحن‌ها و... نپرداخت، بلکه از نظر فرهنگی خدمات عظیمی انجام داد که به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود: تجدید بنای کتابخانه آستان قدس رضوی؛ تأسیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در راستای تحقیق در معارف اهل‌بیت(ع) که آثار گوناگون اسلامی را چاپ و نشر کرده و اساس «المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته» را پی‌ریزی کرده که هم‌اکنون قریب ۶۰جلد منتشر شده است.

نکته‌ها
آیت‌الله سیدان

در عرصه‌های مختلف از نظر مسائل دینی و شرعی تقلید جدی داشت

آیت‌الله واعظ طبسی درس‌های حوزه را بسیار خوب خوانده بود. به دروس منطق، ادبیات، رسائل، مکاسب و کفایه تسلط کافی داشت. رسائل و مکاسب را در دوره بعد از مانزد مرحوم آیت‌الله شیخ‌هاشم قزوینی خوانده بود. در همان دوره و در زمان تحصیل، به تدریس هم اشتغال داشت. تدریسش پس از انقلاب اسلامی هم ادامه پیدا کرد. از ویژگی‌های ایشان این بود که به اعتقاد خود عمل می‌کرد. در تصمیم‌هایش نیت سوء وجود نداشت. تمام کارها و خدمات خود را با صداقت و از روی اخلاص انجام می‌داد. تا آنجا که من ایشان را شناختم، فردی بود که در عرصه‌های مختلف از نظر مسائل دینی و شرعی تقلید جدی داشت. ایشان در همه کارها صداقت داشت. در مدیریت خود کاملاً موفق عمل کرده است. می‌بینید کارهای اساسی و بزرگی در حرم مطهر رضوی و اطراف آن انجام شده است.

نکته‌ها
آیت‌الله اشرفی شاهرودی

مجموعه خدمات ایشان واقعاً قابل تقدیر بود

پدر ایشان مرحوم آشیخ غلامرضا طبسی از مریدهای بسیار محکم پدر ما مرحوم آیت‌الله آشیخ آقابزرگ اشرفی بودند و عاملی که می‌توان گفت پدر ما را از نجف به مشهد کشاند و ایشان در مشهد مستقر شد، خود آشیخ غلامرضا طبسی بود. ما هم بر اساس همان تذکراتی که پدرمان می‌داد، با اولاد مرحوم آشیخ غلامرضا احساس دین، دوستی، محبت و رفاقت داشتیم. ایشان انصافاً موفق بود. در توسعه حرم مطهر رضوی و بناهای اطراف آن واقعاً همت خوب گمارد و قشنگ هم انجام داد. الحق آثار و برکات خدمات ایشان در اطراف حرم مطهر رضوی قابل تقدیر است. ایشان مدرسه نواب و همچنین مدرسه سلسله‌مغان را که تخریب شده بود تجدیدبنا کرد. ایشان نقش مهمی در ایجاد مراکزی برای خدمات به طلاب و حتی بیمه طلاب داشت که قابل انکار نبود. با آن همه مشاغلی که داشت، مجموعه خدمات ایشان واقعاً قابل تقدیر بود.

یادداشت

گفتاری از آیت‌الله اراکی
درباره منش و سلوک حوزوی آیت‌الله واعظ طبسی

تأسیس مراکز پژوهشی ناشی از عمق نگاه فقاهتی ایشان بود

آیت‌الله محسن اراکی، عضو مجلس خبرگان رهبری و عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام است. به‌ویژه حضور در مجمع تشخیص مصلحت نظام این فرصت را فراهم آورد تا از نزدیک با تولیت فقید آستان قدس رضوی مراوده داشته باشد. آیت‌الله اراکی در این گفتار، به وجوه حوزوی آیت‌الله واعظ طبسی پرداخته است.

آغاز آشنایی من با آیت‌الله واعظ طبسی و فعالیت‌ها و مبارزات انقلابی ایشان در سراسر کشور به‌ویژه استان خراسان و مشهد مقدس به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. با توجه به حضور گهگاهی من در مشهد مقدس و ارتباطی که با خراسان و مشهد از طریق دوستان داشتم، از همان روزهایی که انقلاب امام خمینی(ره) به اوج خود رسید و جریان پانزدهم خرداد و ماجراهای پس از آن و جریان‌هایی که در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید، در همه این ادوار آیت‌الله واعظ طبسی از یاران پرتلاش و بسیار زحمت‌کشیده و رنج‌دیده انقلاب اسلامی محسوب می‌شد.

ایشان از کسانی بود که با مقاومت مقابل رژیم ستمشاهی و سخنرانی‌های تکان‌دهنده و بیدارکننده در مقاطع مختلف و افشای جنایات آن رژیم از یک‌سو و حمایت از قیام امام راحل و مردم علیه رژیم طاغوت از سوی دیگر و نیز تلاش برای واداشتن دیگران به‌ویژه چهره‌های برجسته دینی و توجیه و بسیج طبقات مختلف مردم برای حضور در عرصه‌های انقلابی، نقش بسیار برجسته و پراثری ایفا کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با توجه به اعتماد امام خمینی(ره)، تولیت آستان قدس رضوی بر عهده ایشان گذاشته شد که مسئولیت خاصی بود و خوشبختانه ایشان به‌خوبی از عهده آن برآمد؛ به‌ویژه در مشکلاتی که بقایای سوءمدیریت‌های دوره پهلوی بود.

آستان قدس رضوی در زمان شاه ابزاری برای تحکیم رژیم و بهره‌برداری‌های نامشروع عوامل آن از عواید و امکانات شده بود و به‌هم‌ریختگی‌ها، بی‌برنامگی‌ها، بی‌نظمی‌ها و سوءاستفاده‌هایی که در دوره طاغوت از این آستان می‌شد، نیاز به مدیری نیرومند و قوی داشت که علاوه بر اصلاح آن ویرانه‌ها، این مجموعه را به نهادی سازمان‌یافته، شفاف و نیرومند تبدیل کند که خوشبختانه این کار بزرگ به‌وسیله آیت‌الله واعظ طبسی انجام شد و آستان قدس رضوی توانست به‌عنوان یکی از مراکز مهم خدمتگزاری به دین و مردم فعال شود. من به‌شخصه در خوزستان نزدیک به ۱۰سال در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن امام جمعه دزفول بودم و در جریان مشکلات جنگی استان به‌ویژه در دوران بازسازی قرار داشتم. نقش عظیم و مؤثر آیت‌الله واعظ طبسی در بازسازی بسیار ارزشمند شهر هویزه را دیدم که از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است و لازم است رسانه‌ها به این دستاورد بپردازند و توضیح دهند که چه کار عظیمی در آن شهر انجام و چگونه با بهترین شیوه بازسازی شد و نهادهای فرهنگی، مساجد، مدارس و خانه‌های مردمش احیا شدند. اینجا باید به سه نکته اشاره شود. نخست اعمال مدیریت بر پاسخ‌گویی به انتظار زائران و مجاوران از آستان قدس رضوی در مشهد و خراسان، زیرا مدیریت درونی این سازمان عظیم و بسیار گسترده محدود به مشهد مقدس و حتی خراسان نیست و بسیاری از متعلقات این آستان در دیگر استان‌ها و شهرها قرار دارد. دوم اینکه این مدیریت باید در حدی از توفیق باشد که انتظارات زائران و مجاوران و نیاز استان را پاسخ دهد. سوم، این مدیریت باید بتواند امکانات آستان را تا جایی پیش ببرد که در بازسازی‌های پس از جنگ نقش پررنگی داشته باشد و شهری مانند هویزه را احیا کند. البته خدمات ایشان به بازسازی‌های پس از جنگ تحمیلی در هویزه منحصر نمی‌شد و دیگر شهرها نیز از خدمات ارزنده آستان قدس رضوی با مدیریت آیت‌الله واعظ طبسی برخوردار می‌شدند؛ چنان‌که در شهر دزفول نیز کمک‌ها و خدماتی را ارائه داد که قابل قدردانی است. با این حال، برجسته‌ترین این خدمات مربوط به بازسازی هویزه است که این پروژه باید هم مورد مطالعه قرار گیرد و هم معلوم شود این دستاورد چه آثار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه خوزستان داشته است. اگرچه محدوده جغرافیایی این کمک، شهر هویزه بود، اما از نظر روان‌شناختی همه آسیب‌دیدگان جنگ تحمیلی را پشتیبانی کرد و از نظر روانی اثر بسیار مثبتی بر آن‌ها داشت.

در عرصه مدیریت فرهنگی یا به‌تعبیر دقیق‌تر فعال‌سازی خدمات فرهنگی آستان قدس رضوی، ایشان مدیریت بسیار اثرگذار و برجسته‌ای داشت که در چندبخش جلوه‌گر شد. نخست، فعالیت‌های فرهنگی آستان قدس رضوی در عرصه خدمات‌رسانی به زائران و مجاوران که می‌توان گفت انقلابی در این عرصه در دوره تولیت ایشان رخ داد؛ چه در پاسخ‌گویی به سؤال‌های شرعی و چه سخنرانی‌ها، انتشار نشریات، مجلات و... که آمار تفصیلی آن در اختیار مسئولان آستان قدس رضوی است، اما ما به‌عنوان ناظر بیرونی شاهد فعالیت ارزنده و اثرگذار در این عرصه بودیم. دیگر بُعد مهم فرهنگی مدیریت ایشان، تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی بود که این پدیده فرهنگی نه‌فقط داخل کشور بلکه خارج از کشور نیز آثار بسیار داشته و نیروهایی تربیت‌یافته این دانشگاه از کشورهای اسلامی و غیراسلامی‌اند و شمار دانشجویان در حال تحصیل و دانش‌آموخته آن از دستاوردهای عظیم فرهنگی دوران تولیت آیت‌الله واعظ طبسی محسوب می‌شود. سومین کار برجسته در مدیریت فرهنگی ایشان تأسیس مرکز پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی بود. من از همان اوایل تأسیس با این مرکز آشنا بودم و می‌دانم این پژوهشگاه نقش برجسته‌ای در نشر معارف دین و اهل‌بیت(ع) در عرصه‌های تدوین، پژوهش، نشر و برگزاری نشست‌های علمی، فرهنگی و تحقیقی دارد.

آیت‌الله واعظ طبسی از چهره‌های برجسته تقریب مذاهب به‌شمار می‌رود؛ چه در دوره آیت‌الله واعظ‌زاده که دبیرکل نخست مجمع تقریب مذاهب اسلامی بود و چه در دوره آیت‌الله تسخیری و چه در دوره تصدی من، ایشان حامی نیرومند و استوار در مسئله تقریب بود و ما را در بسیاری از برنامه‌ها همچون پذیرش میهمان‌های تقریب، کمک به برخی برنامه‌ها و پشتیبانی معنوی از فعالیت‌های تقریبی یاری می‌کرد.

حتی در اوایل دوران انقلاب اسلامی و پیش از تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب، ایشان در راستای تقریب در استان خراسان گام‌های بلندی برداشت؛ به‌ویژه آنکه استان خراسان محل زندگی اقوام و طوایف گوناگون از نظر نژادی و مذهبی است، اما به‌لطف خدا و با مدیریت خوب ایشان و زحمات دیگران، در استان خراسان شاهد وفاق ملی عجیبی بوده‌ایم. اینکه تا امروز شاهد هیچ تنشی میان مذاهب نبوده‌ایم و رؤسا و اقشار پیرو مذاهب را دیده‌ایم که چگونه با یکدیگر همیاری و همدلی داشته‌اند؛ آن‌هم نه‌فقط در خراسان رضوی بلکه در خراسان جنوبی، سیستان‌وبلوچستان، کرمان، بم و هرمزگان نیز به‌نوعی شعاع فعالیت ایشان مشهود است. تولیت فقید آستان قدس رضوی نقش مؤثری در پشتیبانی تقریب و ایجاد روحیه وحدت و الفت میان مذاهب داشت و می‌توان و باید ایشان را چهره تقریبی اثرگذار معرفی کرد و قدردان این همه تلاش ایشان در عرصه‌های مختلف خدمت به اسلام و انقلاب و مردم بود. در دوران جنگ تحمیلی که امام جمعه دزفول بودم، این شهر آسیب دیده بود و هر دم مردم آن با اصابت موشک و بمباران هوایی مورد هدف قرار می‌گرفتند. هرچند روز یک‌بار خبر شهادت گروهی را می‌شنیدیم. دزفول از جمله شهرهایی است که بیشترین تعداد شهید، جانباز، آزاده و ایثارگر را تقدیم انقلاب اسلامی کرده است و از شهرهای نیروخیز و متکی بر بسیج مردم برای جبهه‌ها بود و این، فشار روانی بسیاری بر ما وارد می‌کرد. یکی از کسانی که دم‌به‌دم ما را مورد تفقد و دلجویی قرار می‌داد، آیت‌الله واعظ طبسی بود. به‌یاد دارم ایشان دوسه بار ما و برخی مردم آسیب‌دیده و جنگ‌زده را به مشهد مقدس دعوت کرد و با پذیرایی سبب تسکین خانواده‌ها شد و این کمک معنوی، افزون بر حمایت‌های مادی بسیار اثرگذار بود و دلسوزی، درصحنه‌بودن و هوش و ذکاوت ایشان در درک آسیب‌پذیری و صبر حاضران و نیازشان به دلجویی و دلداری و تقویت روحیه و رسیدگی در خط مقدم را نشان می‌داد. بسیاری از افراد در همان دوران از چنین مسئله‌ای غافل بودند، اما آیت‌الله واعظ طبسی توجهی خاص به این نکته داشت و در تسکین آلام آسیب‌دیدگان نقش بسیار مهمی ایفا کرد. ان‌شاءالله خدا بر درجاتش بیفزاید.

برش

تأثیرگذارترین خصوصیت ایشان در حوزه خدمات فرهنگی، عنایت خاص به قشر جوان بود

با وجود همه ویژگی‌های برجسته آیت‌الله واعظ طبسی، بی‌تردید تأثیرگذارترین خصوصیت ایشان در حوزه خدمات فرهنگی، عنایت خاص به قشر جوان بود. ایشان اهتمام ویژه‌ای داشتند که فرهنگ اسلامی به‌ویژه در محیط‌های علمی مشهد ایجاد و تقویت شود؛ از جمله تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا(ع) و حمایت گسترده از مدارس و حوزه‌های علمیه، بسیار مورد توجه و اهتمام ایشان بود که همه طالبان علم در سراسر کشور از برکات آن بهره‌مند شدند.

علی کریمی قدوسی، قائم‌مقام اسبق آستان قدس رضوی:

آیت‌الله واعظ طبسی را در نهایت ادب و تواضع به‌یاد می‌آورم

علی کریمی قدوسی قائم‌مقام اسبق آستان قدس رضوی است. دوران حضور او در مسئولیت قائم‌مقامی آستان قدس رضوی، یکی از طولانی‌ترین دوره‌هاست؛ از این منظر آشنایی و همکاری او با تولیت فقید، دارای زوایایی است که امروز هشت سال پس از درگذشت آیت‌الله واعظ طبسی، بسیار قابل توجه است.

■ آشنایی شما با آیت‌الله واعظ طبسی از چه زمانی آغاز شد؟

آیت‌الله واعظ طبسی را از سال ۱۳۴۱ می‌شناختم. آن روزها ۱۳سال بیشتر نداشتم، اما نخستین بار ایشان را در همان جایگاهی دیدم که باید می‌دیدم؛ بر منبر وعظ و خطابه. در آن سال به منزل یکی از معتمدان شهر مشهد رفتیم. روی صندلی نشسته بود و خیلی عالمانه و دقیق شرایط آن روز کشور را تبیین می‌کرد. تحلیل‌های دقیقی که ارائه می‌داد هر مستمعی را سر ذوق می‌آورد. شاید برای همین بود که بارها از سوی ساواک تحت تعقیب قرار گرفت و ممنوع‌المنبر شد. طلبه جوان و مبارز خراسانی آن روزها انگار خون غیرت امام(ره) در رگ‌هایش جریان یافته بود و شجاعانه علم مبارزه را بر دوش می‌کشید. البته سلسله‌جلسات آیت‌الله واعظ طبسی بعدها نیز ادامه داشت و باوجود همه سخت‌گیری‌ها به‌دفعات در منزل مرحوم آیت‌الله قمی برگزار شد. حالا دیگر آیت‌الله واعظ طبسی و منبرهای سیاسی و اعتقادی‌اش به محفل ثابتی برای حضور جوانان و مردم مشهد تبدیل شده بود.

البته مبارزات ایشان در دوران رژیم پهلوی فقط به منبر و وعظ و خطابه خلاصه نمی‌شد. ای کاش ایشان اجازه می‌داد خاطراتش در زمان حیاتش منتشر شود، اما آن‌قدر که از اسناد منتشرشده ساواک برمی‌آید این است که ایشان از همین نفوذ کلام خود در میان حوزه‌های علمیه، جوانان انقلابی و مردم مؤمن استفاده و در کنار چهره‌هایی مثل رهبر معظم انقلاب و شهید هاشمی‌نژاد تظاهرات مردم خراسان را هدایت و رهبری می‌کرد. گاه حتی به‌طور روزانه گزارش این حرکت‌های انقلابی را با تلفن به امام(ره) در پاریس منتقل می‌کرد.

■ پیشنهاد آیت‌الله واعظ طبسی برای پذیرفتن قائم‌مقامی آستان قدس رضوی چه زمانی اتفاق افتاد؟

ارتباط تشکیلاتی و اداری اینجانب با تولیت فقید آستان قدس رضوی از سال ۱۳۶۱ که سمت فرمانداری مشهد و سپس معاونت استانداری خراسان را عهده‌دار بودم، آغاز شد. از این زمان به‌دفعات در قالب جلسات مکرر استانداری و ستاد پشتیبانی جنگ تحمیلی از راهنمایی‌ها و رهنمودهای ایشان بهره‌مند می‌شدم. در سال ۱۳۶۶ نیز به توصیه و رایزنی ایشان خدمت در استانداری سیستان‌وبلوچستان را آغاز کردم. زمانی که در معاونت استانداری سیستان‌وبلوچستان بودم، به‌پیشنهاد آیت‌الله واعظ طبسی برای قبول تصدی قائم‌مقامی آستان قدس رضوی روبه‌رو شدم. در نهایت خرداد ۱۳۶۷ از سوی ایشان به این سمت منصوب شدم تا امور اجرایی آستان قدس رضوی بر عهده و مسئولیت من باشد. البته هرچند در بسیاری از امور تفویض اختیار شده بودم، اما برای رعایت اصول در طول ۱۸سال خدمتم جلسات منظم و مداومی به‌صورت هفتگی با ایشان داشتم و از راهنمایی‌های ایشان کمال استفاده را می‌کردم و سعی‌ام بر آن بود سه اصل صداقت، امانت‌داری و شفافیت به‌عنوان یک وظیفه اخلاقی و شرعی، زمینه و ستون اصلی همکاری من با ایشان باشد.

■ در زمان حضور شما در سمت قائم‌مقامی، نگاه مدیریتی آیت‌الله واعظ طبسی معطوف به چه حوزه‌هایی بود؟

ایشان در عرصه مدیریت اجرایی این مرزوبوم چنان خوش درخشید که گزاف نگفته‌ایم اگر بگوییم در تاریخ معاصر ایران چنین مدیری کم می‌توان یافت. از سمت‌هایی چون نمایندگی ولی‌فقیه در استان خراسان، عضویت مجلس خبرگان رهبری، عضویت جامعه روحانیت مبارز و عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام که بگذریم، آیت‌الله واعظ طبسی تولیت آستان قدس رضوی از سال ۱۳۵۷ تا پایان عمرش بود. ۳۷ سال مدیریت سازمانی با این پهنه وسیع فقط از عهده شخصی چون آیت‌الله واعظ طبسی برمی‌آمد. البته هوشمندی حضرت امام(ره) در انتخاب شایسته ایشان را نباید از یاد برد. با پیروزی انقلاب اسلامی، امام(ره) در نخستین احکامی که صادر کردند، سرپرستی آستان مقدس و ملکوتی ثامن الحجج(ع) را به آیت‌الله واعظ طبسی سپردند و دو سال بعد در حکمی تاریخی، تولیت آستان قدس را به ایشان واگذار کردند. توجه به مفاد حکم امام(ره) به‌نظر من بسیاری از ناگفته‌ها درباره شخصیت حقیقی و حقوقی آیت‌الله واعظ طبسی را برای نسل جوان ما روشن می‌کند. در این حکم آمده است: «جناب آقای مستطاب حجت‌الاسلام عباس واعظ طبسی دامت افاضاته، نظر به سابقه‌ای که جناب‌عالی در امور آستان مقدس حضرت ثامن‌الائمه صلوات‌الله وسلامه علیه و علی آبائه الطاهرین دارید و اعتمادی که در این باره به جناب‌عالی می‌باشد، به سمت تولیت آن آستانه مقدسه منصوب می‌شوید تا با کمال جدیت و به‌طور دقیق از متعلقات آنجا خصوصاً کتابخانه و خزینه و محتویات ضریح مقدس و موقوفات و سایر متعلقات آن آستان قدس محافظت کامل بفرمایید و از حیف‌ومیل اموال جلوگیری نمایید...». واضح است امام(ره) به مدیریت، دقت، جدیت و صداقت آیت‌الله واعظ طبسی اعتماد کامل داشتند و چهار دهه مدیریت درخشان ایشان در آستان قدس رضوی پاسخ اعتماد بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی بود.

آستان قدس رضوی به‌لحاظ گستردگی و تنوع فعالیت هرگز قابل قیاس با دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیست. علت آن بی‌شک اندیشه‌ها و ایده‌های آیت‌الله واعظ طبسی است. مهم‌ترین دغدغه ایشان محوربودن حرم مطهر رضوی در محیط شهری اطراف آن بود و این حساسیت هیچ‌گاه در ایشان کم نشد. آیت‌الله واعظ طبسی از آن سال‌ها به‌بعد به‌صورت مداوم ایده‌هایش را عملی می‌کرد و تا واپسین روزهای زندگی‌اش لحظه‌ای برای توسعه آستان قدس رضوی آرام و قرار نداشت.

افزایش روزافزون زائران، ظرفیت نداشتن فضاهای باز و سرپوشیده حوزه حرم مطهر رضوی، سختی رفت‌وآمد و زیارت انبوه زائران، ایشان را واداشت فضاهای زیارتی حرم مطهر رضوی را افزایش دهد؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های اخیر، حجم عملیات اجرایی چندین برابر بناهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی است. علاوه بر این، آیت‌الله واعظ طبسی به‌عنوان یک روحانی تراز اول، از توسعه فضاهای فرهنگی نیز غافل نماند. مهم‌ترین آن‌ها تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی است که امروز یکی از معتبرترین دانشگاه‌های کشور است. همچنین می‌توان به تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ در حرم مطهر رضوی اشاره کرد که اکنون قابل قیاس با کتابخانه ملی ایران است.

آستان قدس رضوی علاوه بر فراهم کردن تسهیلات فراوان برای زائران امام‌رضا(ع) و کارهای فرهنگی، فعالیت در امور اقتصادی را نیز برعهده دارد. آیت‌الله واعظ طبسی با بهره‌گیری از معارف اهل‌بیت(ع) و سیستم مدیریتی، به‌پشتوانه درآمد حاصل از نذورات زائران و وقف‌کنندگان آستان قدس رضوی، با ایجاد تشکیلات نظارتی منسجم اقتصادی، این سازمان را به یکی از موفق‌ترین سازمان‌های اقتصادی کشور تبدیل کرد.

ایشان گرچه در خردسالی پدر خود را از دست داد، اما پدروار برای سازمان و نیروهای تحت‌امرش دل سوزاند. کارهای بزرگ و شیوه مدیریتی ایشان می‌تواند الگویی برای طلاب، دانشجویان، استادان و مدیران کشور باشد.

■ با توجه به اینکه آیت‌الله واعظ طبسی از دل حوزه برخاسته بودند و نگاه فرهنگی ایشان ویژه بود، به‌نظر شما در راستای توسعه اقتصادی آستان قدس رضوی، نگاه فرهنگی و توجه ایشان به فعالیت‌های فرهنگی تا چه اندازه بود؟

از نظر من و با توجه به آثاری که ایشان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و محصولات ملموس و عینی که از خود برجا گذاشت، می‌توان ایشان را یکی از پیشگامان طراحی و اجرای ایده تولید «علوم انسانی اجتماعی اسلامی» پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دانست. ایشان علم دینی را نظامی معرفتی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی و اصول حقوقی مبتنی بر ریشه‌های ناب اسلام می‌دانست و بر این باور بود استخراج و استنباط این نظام معرفتی با رهیافتی فقاهتی در مواجهه با متون دینی امکان‌پذیر است. از دیدگاه ایشان در این مواجهه نباید از تلاقی یافته‌های دنیای جدید با متون دینی و پرسش‌های مربوط به این مواجهه غفلت کرد. ایشان بسنده‌کردن به نظریه‌پردازی در تولید علم دینی را ناتمام تلقی می‌کرد و از این رو پا از دایره تئوری‌پردازی فراتر نهاد و با تأسیس نهادهای علمی همچون دانشگاه علوم اسلامی به‌عنوان تلاقی‌گاه علم جدید و علم قدیم و بنیاد پژوهش‌های اسلامی، دست به‌کار پیاده‌سازی آن نظریه در قالب برنامه آموزشی‌پژوهشی مدونی شد. هویت خاص این نهادها در مسیر تولید «علوم انسانی اجتماعی اسلامی» را می‌توان حاصل نگاه ویژه ایشان به اهداف، ساختار، برنامه‌ریزی درسی و رابطه معلم و متعلم دانست. از مهم‌ترین شاخصه‌های این نگاه نیز می‌توان به پیوند عملی حوزه و دانشگاه، تقدم تعلیم و تزکیه دینی بر تولید علم، جریان‌سازی علمی، برگزیدن و تربیت هدفمند نیروی انسانی اشاره کرد.

در همین‌جا به مراکز دانشگاهی و پژوهشی کشورمان پیشنهاد می‌کنم مناسب است این بُعد از شخصیت آیت‌الله واعظ طبسی در قالب یک کار تحقیقاتی یا رساله دانشگاهی به‌طور جدی دنبال و پیگیری شود و نگذاریم چنین شخصیت‌های ارزشمندی که جمع علم و عمل و دین و معرفت بودند، در طول زمان به محاق فراموشی و نسیان بروند.

■ تحلیل شما درباره مهم‌ترین عنصر مدیریتی آیت‌الله واعظ طبسی بر اساس سال‌های زیاد ارتباط شما با ایشان چیست؟

درباره شیوه مدیریتی ایشان در آستان قدس رضوی سخن زیاد است. ایشان معتقد بود تشکیلات آستان قدس رضوی باید مستقل باشد. نخستین کاری که انجام داد این بود برخی چهره‌ها را که از قبل شناسایی کرده بود، برای انجام امور در مسئولیت‌های مختلف آستان قدس رضوی منصوب کرد، بعد هم موضوع ساماندهی موقوفات را با جدیت پی گرفت. پیگیری تأمین درآمدها و جمع‌آوری دیون دولتی را در دستور کار قرار داد تا در مدت کوتاهی آستان قدس رضوی بتواند موضوع توسعه حرم مطهر رضوی را بدون دریافت حتی یک ریال کمک دولتی آغاز کند و در ۳۷ سال آن را ادامه داد؛ آن هم با آن نگاه عمیقی که توسعه را در یک وضعیت خاص متوقف نمی‌کرد، چنان‌که این توسعه همچنان در جریان است.

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت مدیریت ایشان به‌ویژه در کسوت تولیت آستان قدس رضوی توجه عمیق و دقیق ایشان به موضوع حفظ و صیانت از موقوفات و هزینه آن‌ها در مسیر نیات واقفان بود. امروز موقوفه‌ای نمانده که سند آن بازخوانی نشده باشد.

در طول همه سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی حتی یک‌وجب از موقوفات آستان قدس رضوی تخریب نشده یا ریالی از آن خارج از نیات واقفان هزینه نشده است. فقط در زمین‌های موقوفه محمدآباد درگز به‌علت عسروحرجی که برای مردم و ساکنان این منطقه داشت، ایشان نامه‌ای به امام(ره) نوشت و از ایشان کسب تکلیف کرد. امام(ره) نیز از طریق حاج‌احمدآقا اجازه دادند این سهم به صاحبان زمین‌ها و خانه‌ها در محمدآباد فروخته شود و به همان مقدار در همان منطقه محمدآباد زمینی خریداری و وقف شود. این تنها تغییری بود که در این سال‌ها انجام شد؛ آن‌هم در مسیری شرعی و قانونی و با اجازه امام(ره).

در خاطرم هست ایشان یک‌بار خطاب به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که موضوعی را درباره موقوفات مطرح کرد، گفت: «من درباره موقوفات یک وظیفه شرعی دارم و یک وظیفه اصولی و قانونی که از آن‌ها کوتاه نخواهم آمد». این دقت‌نظر فقط درباره حفظ و صیانت از موقوفات نبود. ایشان در حفظ میراث‌فرهنگی نیز همیشه به متولیان حوزه‌های عمرانی و توسعه حرم مطهر رضوی تأکید ویژه‌ای داشت. اگر این نبود، شاید برای نمونه همین رواق دارالحجه به‌گونه دیگری ساخته می‌شد، اما ایشان حفظ مدرسه «دودر» و «پریزاد» را ضروری می‌دانست.

در زمان ساخت صحن جمهوری اسلامی هر روز در محل کارگاه پروژه حضور پیدا می‌کرد. گاه این حضور ساعت‌ها طول می‌کشید. حتی جلسات دیگر و ملاقات‌های خود را در محل همین پروژه برگزار می‌کرد. صورت‌جلساتی که از هیئت‌مدیره‌های مختلف برای ایشان ارسال می‌شد گاه ۳۰ صفحه بود. تأکید داشت ریز مذاکرات در صورت‌جلسات نوشته شود و فقط به ذکر مصوبات بسنده نشود. آن‌ها را دقیق مطالعه می‌کرد. پای برخی از این مصوبات و مذاکرات، نکاتی را می‌نوشت و تذکر می‌داد.

در همه این سال‌ها نه‌فقط آستان قدس رضوی در مسیر توسعه، باری بر دوش دولت‌ها نبود، بلکه در بسیاری موارد، دولت‌ها را یاری کرد و حتی در دوره‌هایی برای پرداخت آبونمان برق زیرگذرهای حرم مطهر رضوی که جزئی از خیابان‌های شهر به‌حساب می‌آید، برای آستان قدس رضوی قبض صادر می‌شد!

شاید فقط کسانی معنای تعبیر امام خمینی(ره) درباره آیت‌الله واعظ طبسی را درک کنند که وضعیت آستان قدس رضوی را پیش از انقلاب اسلامی دیده باشند؛ آنجا که امام(ره) فرمودند: «جناب‌عالی از چهره‌های درخشان مدیریت و انقلاب اسلامی به‌خصوص در استان خراسان می‌باشید».

همین‌جا خوب است به توجه و حساسیت ایشان درباره امور درمانی نیز اشاره کنم. ساخت بهترین امکانات و تجهیزات درمانی برای زائران و مجاوران امام علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) همچون بیمارستان رضوی که امروز منشأ خیرات و برکات و خدمات بی‌نظیر به عموم مردم است، از جمله این باقیات صالحات است.

■ خاطره‌هایی از سال‌های آشنایی خود با ایشان بیان کنید

من همیشه آیت‌الله واعظ طبسی را در نهایت ادب، احترام و تواضع به‌یاد می‌آورم. خوب به‌خاطر دارم با اینکه مسئول من بود، هر وقت با من تماس می‌گرفت، پس از سلام، اول می‌پرسید: «آقای کریمی می‌توانید صحبت کنید؟ جلسه نیستید؟ اگر برایتان مقدور نیست بعد با شما تماس می‌گیرم» این ادب را از کجا سراغ دارید؟ کجا یک مسئول با مدیرش این‌گونه صحبت می‌کند؟ ایشان نمونه یک مدیر در مدیریت اسلامی بود.

یک‌بار نمایندگان استان کرمان از بنده خواستند استانداری کرمان را بپذیرم. آیت‌الله واعظ طبسی مرا خواست و گفت: «اختیار با شماست، اگر مسئولیت دولتی بپذیرید به همه محتاج می‌شوید اما مادامی که در خدمت امام هشتم(ع) هستید همه به شما محتاج‌اند». من در آن مقطع استانداری کرمان را نپذیرفتم و به ایشان اطمینان دادم تا زمانی که ایشان مایل باشد، آستان قدس رضوی را ترک نکنم. با این حال، سال‌ها بعد که این مسئولیت را به‌خواست ایشان ترک کردم، پس از یک‌ماه با من تماس گرفت و گفت: «حالا که دیگر مدیر زیرمجموعه من نیستی اما اگر کمکی از دست من برای تو بربیاید و نگویی حلالت نمی‌کنم».

تأثربرانگیزترین خبری که ایشان در طول حیاتش شنید و من شاهد این تأثر عمیق در چهره ایشان بودم، خبر رحلت امام(ره) بود. این خبر را آقای طاهری خرم‌آبادی تلفنی به ایشان داد و از ایشان خواست شبانه خود را به تهران برساند. بعدها ایشان تعریف می‌کرد: «وقتی خبر رحلت امام(ره) را شنیدم احساس کردم روح از بدنم خارج می‌شود». این علاقه البته دوسویه بود. وقتی ایشان برای ارائه گزارش خدمت امام(ره) می‌رسید، امام(ره) به ایشان اظهار علاقه می‌کردند.

آیت‌الله واعظ طبسی می‌گفت: «تلخ‌ترین روز خدمتم در آستان قدس رضوی روز عاشورایی بود که در حرم مطهر رضوی بمب‌گذاری شد». ایشان از لحظه اولیه انفجار حرم مطهر رضوی که حدود ساعت ۲ بعدازظهر بود تا ساعت ۱۲ ظهر فردایش که برای غبارروبی ضریح آمد، حتی لحظه‌ای نخوابید. در همه این ۲۲ ساعت ایشان در حرم مطهر رضوی بود و روند کار را از نزدیک دنبال می‌کرد. ایشان می‌گفت: «راضی نبودم زنده باشم و اهانت به حرم مطهر امام‌رضا(ع) را ببینم».

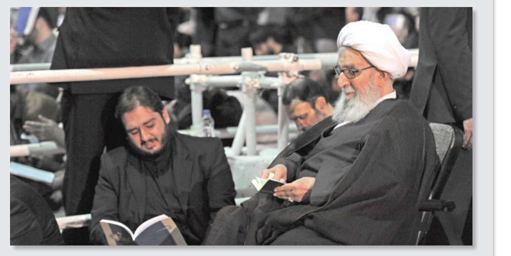

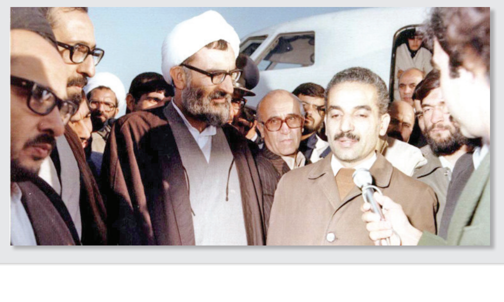

گفت‌وگو

جلوه‌هایی از منش سیاسی و اخلاقی آیت‌الله واعظ طبسی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدکاظم راشدیزدی

ولایتمداری و صراحت‌لهجه خصوصیات بارز ایشان بود

حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدکاظم راشدیزدی از بدو شکل‌گیری نهضت اسلامی و در بیت امام خمینی(ره) با آیت‌الله حاج‌شیخ‌عباس واعظ طبسی آشنا شد و این دوستی تا پایان حیات آن بزرگوار تداوم داشت. او در گفت‌وشنودی که در پی می‌آید به شمه‌ای از خاطرات این مصاحبت اشاره کرده است.

■ جناب‌عالی از چه مقطعی و چگونه با آیت‌الله واعظ طبسی آشنا شدید؟ این آشنایی در چه شرایطی اتفاق افتاد؟

در سال ۱۳۴۳ هنگامی که حضرت امام(ره) از حبس و حصر آزاد شدند، بنده همراه عده‌ای از طلاب یزدی خدمت ایشان مشرف شدیم. آقای واعظ طبسی نیز همراه عده‌ای از مشهد آمده بودند. عده زیادی از دوستداران حضرت امام(ره) حضور داشتند و منزل ایشان مملو از جمعیت شده بود. در میان ازدحام جمعیت و سروصدای زیاد، ناگهان صدای جذاب و رسایی بلند شد و جمعیت سکوت کرد. آن فرد به‌قدری زیبا، باجذبه و عالی سخنرانی کرد که همه مبهوت شدند. از افرادی که همراه ایشان آمده بودند پرس‌وجو کردم تا ببینیم چه کسی هستند. به من گفتند: «ایشان آقای شیخ‌عباس واعظ طبسی از طلاب حوزه مشهدند».

■ موضوع سخنرانی ایشان چه بود؟

از وقایع ۱۵خرداد و تلاش‌های مدبرانه حضرت امام(ره) گفتند و به‌قدری جالب صحبت کردند که در برخی لحظات آن، امام(ره) متأثر می‌شدند. در آن دوران خیلی‌ها در محافل مختلف صحبت می‌کردند، اما شیوه و سبک سخنرانی ایشان به‌قدری برایم جالب بود که به‌دلیل علاقه قلبی زیادی که به این مرد بزرگ پیدا کردم، تصمیم گرفتم با ایشان ارتباط برقرار کنم. از آن پس بود که دیدارهای ما به‌ویژه در محافل مذهبی و کلاس‌های درس مشهد ادامه یافت، اما متأسفانه کمی بعد ساواک دست به تعقیب و دستگیری ایشان زد و آن مرد فرزانه را به‌عنوان یکی از مهره‌های مهم و مبارز علیه رژیم، زیر فشار قرار داد.

■ چه ویژگی بارزی سبب ایجاد این علاقه شدید شد؟

در همان برخورد اول، ایشان را مردی فرزانه، وارسته و معتقد واقعی به حضرت امام(ره) و نهضت ایشان دیدم؛ خصوصیتی که تا آخر عمر ادامه داشت و ایشان حتی یک لحظه نیز از خط و گفتار امام(ره) تخطی نکرد.

■ کارکرد مثلث رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله واعظ طبسی و شهید هاشمی‌نژاد در مشهد یکی از فرازهای مهم تاریخ انقلاب اسلامی است. تحلیل شما از این اتحاد و همبستگی چیست؟

بنده از سال ۱۳۴۸ به بعد توانستم رابطه مستمری با آیت‌الله واعظ طبسی داشته باشم و در کنار این جمع پربرکت سه‌نفره که فضای مبارزاتی و انقلابی مشهد را کاملاً در دست داشتند، کسب فیض کنم. قطعاً این وحدت، مؤثرترین ابزار برای مقابله با رژیم ستمشاهی و به‌ثمر رساندن انقلاب اسلامی در مشهد بود. بنده به‌دلیل ارادتی که به آقای واعظ طبسی داشتم، از محضر ایشان فراوان کسب فیض می‌کردم. هرچند همان‌طور که اشاره کردم، ایشان دائم ازسوی ساواک تحت تعقیب بودند و تا پیروزی انقلاب اسلامی چندین بار دستگیر و زندانی شدند و مدت زیادی در زندان بودند و به‌طبع بنده و همه کسانی که از محضر ایشان کسب فیض می‌کردیم، محروم می‌ماندیم.

■ ارتباط شما پس از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه ادامه یافت؟

خوشبختانه در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی، ارتباط آسان و امن با ایشان حاصل و خدمات انقلابی ایشان نیز آشکارتر شد. هنگامی که حزب جمهوری اسلامی در مشهد تأسیس شد، بنده طبق رهنمودهای آیت‌الله واعظ طبسی، مسئولیت دفتر حزب جمهوری اسلامی در یزد را قبول کردم و به‌همین دلیل مستمر خدمت ایشان می‌رفتم و از رهنمودهای دقیق و اسلامی انقلابی ایشان استفاده می‌کردم. ایشان در این زمینه‌ها دریایی از تجربه بودند و به‌همین خاطر هم بود که حضرت امام(ره) منصب مهم تولیت آستان قدس رضوی را به ایشان سپردند و در پرتو روحیه انقلابی و مدیریت برجسته و درخشان ایشان، تحولات مهمی در اداره و تدبیر آستان قدس رضوی صورت گرفت.

■ برخی مبارزان اولیه نهضت اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌تدریج تغییر ماهیت دادند و از آرمان‌های انقلابی خود رو برگرداندند، اما آیت‌الله واعظ طبسی تا آخرین لحظه حیات، ذره‌ای از خط ولایت‌فقیه منحرف نشدند. به‌نظر شما علت چه بود؟

علت این بود که ایشان فطرتاً انقلابی بودند و بنا به شرایط و براساس اقتضائات زمانه، انقلابی نشده بودند. ایشان ماهیتی انقلابی و به حضرت امام(ره) تعصب خاصی داشتند و از شجاعت زیادی نیز برخوردار بودند. کسی که امری در وجودش نهادینه شده باشد، به‌مرور زمان و با سیر حوادث، تغییر موضع نمی‌دهد. ایشان فقط یک مبارز علیه رژیم پهلوی نبودند، بلکه در برابر هر جریانی که خلاف احکام الهی و اسلامی عمل می‌کرد، می‌ایستادند. پس از رحلت امام(ره) نیز به‌ویژه به‌دلیل سوابق طولانی آشنایی با حضرت آقا و شناخت دقیقی که از ایشان داشتند، با ارادت، پشتکار و خلوصی مثال‌زدنی، به اطاعت از ولایت‌فقیه پرداختند، به‌طوری که یکی از ویژگی‌های برجسته ایشان را می‌توان ولایتمداری دانست. آقای واعظ طبسی خیلی زودتر از دیگران این موضوع را درک کردند و اهتمام ویژه‌ای بر آن داشتند.

■ به نحوه مدیریت ایشان در آستان قدس رضوی نیز اشاره‌ای کنید. ایشان در این عرصه از چه شیوه‌هایی استفاده می‌کردند؟

ایشان در این عرصه اهتمام خارق‌العاده‌ای داشتند و همه وقت و انرژی خود را صرف خدمت به این نهاد مهم می‌کردند. حتی وقتی از بیماری‌های سخت رنج می‌بردند، در دفتر خود حاضر می‌شدند و به امور آستان قدس رضوی رسیدگی می‌کردند. ایشان حقیقتاً مدیر ممتاز و شایسته‌ای بودند. حضرت امام(ره) و حضرت آقا بارها از مدیریت درخشان ایشان تجلیل کردند. ایشان ویژگی‌های یک مدیر آگاه اسلامی را داشتند و واقعاً می‌توان ایشان را یکی از الگوهای مهم مدیریت اسلامی دانست. اخلاص بی‌نظیر ایشان در خدمت به حضرت رضا(ع) و حریم رضوی به‌گونه‌ای بود که با وجود درد پا و کمر، حتی یک روز هم از فعالیت در این زمینه خودداری نکردند.

■ با وجود تفاوت سنی زیاد آیت‌الله واعظ طبسی با جوانان، ایشان همواره ارتباط نزدیک و صمیمانه‌ای با قشر جوان داشتند. این ویژگی چگونه حاصل شده بود؟

با وجود همه ویژگی‌های برجسته آیت‌الله واعظ طبسی، بی‌تردید تأثیرگذارترین خصوصیت ایشان در حوزه خدمات فرهنگی، عنایت خاص به قشر جوان بود. ایشان اهتمام ویژه‌ای داشتند که فرهنگ اسلامی به‌ویژه در محیط‌های علمی مشهد ایجاد و تقویت شود؛ از جمله تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا(ع) و حمایت گسترده از مدارس و حوزه‌های علمیه، بسیار مورد توجه و اهتمام ایشان بود که همه طالبان علم در سراسر کشور از برکات آن بهره‌مند شدند. برپایی کنگره امام‌رضا(ع) نیز از اقدامات فرهنگی برجسته ایشان است و هر سال عده زیادی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه را به ارائه دستاوردهای علمی و پژوهشی خود درباره سیره رضوی به فعالیت وامی‌دارد که این امر سابقه نداشته و گام بسیار مهمی در انتشار معارف رضوی است.

نکته برجسته دیگر در حیات این مرد بزرگ این است که ایشان هرگز توجهی به حق‌التولیه نداشتند و همه درآمدهای مالی خود را صرف خدمت به حضرت‌رضا(ع) و محققان اسلامی می‌کردند. ساخت مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و حسینیه‌های متعدد و حتی بازسازی بخشی از حرم مطهر رضوی از حق‌التولیه ایشان به‌انجام رسید. ایشان زندگی فوق‌العاده ساده‌ای داشتند و فقط در حد امرار معاش از این حق استفاده می‌کردند و از این جایگاه رفیع حتی ذره‌ای برای منافع شخصی خود استفاده نکردند.

برش

خاطره‌هایی از سال‌های آشنایی خود با ایشان بیان کنید

من همیشه آیت‌الله واعظ طبسی را در نهایت ادب، احترام و تواضع به‌یاد می‌آورم. خوب به‌خاطر دارم با اینکه مسئول من بود، هر وقت با من تماس می‌گرفت، پس از سلام، اول می‌پرسید: «آقای کریمی می‌توانید صحبت کنید؟ جلسه نیستید؟ اگر برایتان مقدور نیست بعد با شما تماس می‌گیرم» این ادب را از کجا سراغ دارید؟ کجا یک مسئول با مدیرش این‌گونه صحبت می‌کند؟ ایشان نمونه یک مدیر در مدیریت اسلامی بود.

برادر مهربان و هم‌سنگر دوران غربت و شدت

از نخستین طلیعه‌های مبارزات نهضت اسلامی، مشهد مقدس شاهد حضور شجاعانه و اثرگذار این روحانی محترم در عرصه‌های پرخطر و قبول دشواری‌های آن بود و این حضور صریح و صادقانه تا آخرین روزهای مبارزات ملت ایران ادامه یافت.